موضوع سمینار: مفاهیم نوسازی، توسعه و جهانی شدن

\*- اصطلاحات مرتبط

اصطلاحات عبارتند از: 1- تغییر، 2- تحول، 3- تکامل، 4- ترقی یا پیشرفت و 5- رشد

1- تغییر درجامعه شناسی بصورت ترکیب؛ تغییر اجتماعی آورده می‌شود و به دگرگونی‌ها و رخدادهایی اطلاق می‌شود که در مدت زمانی کوتاه و در یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معین اتفاق افتاده و نتیجه قطعی‌اش نمایان می‌شود.

2- تحول در جامعه‌شناسی بصورت ترکیب تحول اجتماعی بکار می‌رود؛ مجموعه‌ای از تغییراتی هستند که در طول یک دورهٔ طولانی رخ می‌دهند در تاریخ سه قرن اخیر غرب 4 واژهٔ ترقی، تکامل، نوسازی و توسعه را برای توضیح اجتماعی بکار برده است.

3- تکامل به معنی تغییر تدریجی در جهت کامل شدن است. از نظر مفهومی رابطهٔ نزدیکی بین این دو اصطلاح وجود دارد. تکامل در تاریخ اندیشهٔ فلسفی و کلامی مغرب زمین دارای سابقه‌ای طولانی است.

4- ترقی یا پیشرفت اندیشه و اصطلاحی است متعلق به جهان مدرن که در روزگار باستان و سده‌های میانه ناشناخته بوده. شناخت و قدرت انسان بطور نامحدود بر طبیعت افزایش می‌یابد و این شناخت و قدرت خوشبختی دنیوی به همراه می‌آورد. حاصل کار همان باور مدرن پیشرفت است که این در کلام ارسطو اعتقاد به پیشرفت باور به وجود یا امکان حرکت در یک جهت دلخواه است.

5- رشد بیشتر در مباحث اقتصادی کشورهای جهان سوم کاربرد دارد و معمولا با شاخص‌هایی نظیر "تولید ناخالص ملی" و "تولید سرانه ملی" محاسبه می‌شود.

\*- نوسازی و توسعه

نوسازی:

از نو شدن و تحول دائمی همهٔ ابعاد تمدن بشری که حد و غایتی برای آن متصور نیست. اصطلاح نوسازی طی دو دهه 1950 و 1960 مضمون بسیاری از مطالعات و پژوهش‌ها به ویژه در ایالات متحده امریکا درباره کشورهای موسوم به جهان سوم بود.

عده‌ای از پژوهشگران نظیر هربرت اسپنسر، امیل دورکیم و رستو جهان را به دو دسته سنتی و نوین تقسیم می‌کردند. آن‌ها جوامع غربی را نمونه و الگوی جوامع نوین می‌دانستند و مشخصات آن جوامع را به عنوان معیاری‌های نوبودن در نظر می‌گرفتند.

در مقابل جوامع موسوم به جهان سوم را به عنوان جوامع کم و بیش سنتی قلمداد می‌کردند و نوسازی را فرآیندی می‌دانستند که طی آن جوامع بشری از حالت سنتی به حالت نو در می‌آیند.

مهم‌ترین انتقاد بر این دسته تعاریف وارده شده اینکه استنباط خاصی را که خود از مراحل تحول جوامعه غربی داشتند به سادگی به همه جوامعه تعمیمم داده‌اند، در حالیکه اولاً راهی را که غرب در تحول و نوسازی خود پیموده است بنا به دلایل زیادی راهی منحصر به فرد و محصول شرایط خاص تاریخی بوده بنابراین امکان تکرار آن برای جوامع موسوم به جهان سوم بعید و شاید غیر ممکن است و دوم آنکه همین راهی که غرب طی کرده است آنچنانکه این نظریه‌پردازان تصور می‌کنند راهی ساده و خطی نبوده بلکه مراحل آن یکی پس از دیگری حادث شده باشد این راه، راهی پر پیچ و خم و به عبارت دیگر مسیری سینوسی بوده است.

جنبه‌های نوسازی:

1- روانشناختی، 2- فکری، 3- جمعیت شناختی، 4- اجتماعی، 5- اقتصادی و 6- سیاسی.

توضیح:

1- نوسازی از جنبه روانشناختی انسان سنتی، توقع تداوم در طبیعت و جامعه را داشت اما بر توانایی‌های خود در دگرگون ساختن طبیعت آگاهی نداشت. برخلاف او انسان مدرن امکان دگرگونی را پذیرفته و خوشایندی آن را نیز باور دارد.

2- نوسازی از جنبه فکری: لازمه آن توسعه وسعت دامنهٔ دانش انسان دربارهٔ محیط خود و انتشار این دانش در سرتاسر جامعه از طریق افزایش روز افزون سواد و ارتباطات جمعی و آموزش است.

3- نوسازی از نظر جمعیت‌شناسی: دگرگونی در الگوهای زندگی و افزایش شاخص امید به زندگی، فزونی تحرک شغلی عمودی و جغرافیایی و به ویژه رشد شتابان جمعیت شهری در برابر جمعیت روستایی است.

4- نوسازی از نظر اجتماعی: به این گرایش دارد که خانواده و دیگر گروه‌های اولیه را که نقش‌های پراکنده دارند از طریق پیوستگی‌های آگاهانهٔ سازمان یافته دارای کارکردهای تخصصی‌تر سازد.

5- نوسازی از نظر اقتصادی: تنوع فعالیت‌های اقتصادی طوری که مشاغل ساده و محدود جای خود را به مشاغل پیچیده و گوناگون می‌دهند که در آن سطح مهارت شغلی بالا می‌رود. که به تدریج می‌بایست سطح رفاه اقتصادی افزایش یافته و سطح نابرابری‌های رفاهی اقتصادی کاهش یابد.

6- نوسازی از نظر سیاسی: دارای جنبه‌های متعدد است:

1-6- لازمه آن معقول شدن اقتدار سیاسی است به این معنا که شمار عمده‌های از مراجعه اقتدار سیاسی سنتی، مذهبی، خاندانی و قومی جای خود را به مرجع اقتدار سیاسی واحد دنیوی و ملی می‌دهند.

2-6- نوسازی سیاسی لازمه‌اش تمایز کارکردهای سیاسی نوین و رشد ساختارهای مختص انجام و اجرای این کارکردها است. حوزهٔ صلاحیت‌های خاص حقوقی، نظامی، اداری و علمی باید از قلمرو سیاسی جدا گردند و ارگان‌های مستقل و تخصصی با سلسله مراتب خاص عهده‌دار وظایف سیاسی شوند.

3-6- این نوع نوسازی سیاسی مستلزم مشارکت هرچه بیشتر گروه‌های اجتماعی سراسر جامعه در امور سیاسی می‌باشد. بنابراین اقتدار معقول ساختار سیاسی تمایز یافته و مشارکت سیاسی همگانی جوامع سیاسی نوین را از جوامع سیاسی سنتی متمایز می‌سازند.

توسعه:

رستو یکی از محققان غربی، توسعه را فرآیندی چند مرحله‌ای می‌داند که از مراحلی چون: سنتی، انتقالی، خیز و بلوغ می‌گذرد و سرانجام به عالی‌ترین مرحله رشد اقتصادی یعنی مصرف انبوه می‌رسد.

مایکل تودارو: توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. لذا تودارو وضعیت بهتر را براساس سه ارزش اصلی: الف- تأمین معاش، ب- افزایش اعتماد به نفس و ج- آزادی افراد جامعه تعریف می‌کند.

یکی از علل اصلی ابهامات و نارسایی‌های تعاریف توسعه، خود ماهیت مقوله توسعه است. مقوله توسعه ماهیتی ارزشی – هنجاری و نسبی دارد و به عبارت دیگر توسعه مفهومی است که هر فرد و گروه و جامعه‌ای معنا و ارزش‌های موردنظر خود را از آن استنباط می‌کند. مثلاً اقتصاددانان ارزش را در رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی مردم، جامعه‌شناسان در نظم و تعادل اجتماعی و آگاهان سیاسی در کارامدی و مشروعیت نظام سیاسی می‌دانند.

این همانند کلمه انگور است که مولوی در داستان خود پیدا کرده است. همه یک واقعیت را می‌جویند: انگور، اما آنرا با کلماتی متفاوت بیان می‌کنند در حالیکه در اینجا همه یک کلمه بر زبان می‌آورند: توسعه، اما هرکدام معنا و مشخصات خاص خود را در نظر دارند.

زمینه‌های سیاسی – اقتصادی طرح مباحث توسعه در دورهٔ بعد از جنگ جهانی دوم:

بعد از جنگ جهانی دوم دو بلوک غرب و شرق به سیادت امریکا و شوروی، مقابل یکدیگر قرار گرفتند. که این امر باعث توجه امریکا به اروپای غربی و طرح کوتاه مدت برای توسعه کشورهای ناتوان گردید که نتیجه آن بهبود اقتصادی کشورهای اروپای غربی شد. یکی دیگر از علل توجه به مسئله توسعه، وضعیت کشورهای تازه استقلال یافته بود. که این کشورها از کاستی‌های بسیاری از جمله کمبود غذا، بی‌سوادی، درآمد و بهداشت رنج می‌بردند لذا در این کشورها اقداماتی در جهت نوسازی و توسعه ضروری به نظر می‌رسید.

\*- تحول در مفهوم توسعه

اهداف توسعه:

1- دستیابی به رشد اقتصادی یعنی رشد تولید سرانه جمعیت و در شکل کلان، رشد سالانهٔ تولید ناخالص ملی.

2- کاهش فقر مطلق یعنی کاهش میزان جمعیتی که پایین‌تر از سطح استاندارد رفاه (خواه از نظر درآمد یا مصرف) زندگی می‌کنند.

3- گسترش خدمات اجتماعی همچون دسترسی عمومی به آموزش، بهداشت، ارتباطات و اطلاعات.

4- گسترش دمکراسی و مشارکت اجتماعی بعنوان عامل تحکیم بخش و تضمین کنندهٔ توسعهٔ اقتصادی.

لذا موارد بالا یک هدف را دنبال می‌کند و آن دستیابی به جامعه‌ای است که انسان‌ها در آن اصل اساسی به شمار می‌روند و می‌توانند نیازهای مادی و معنوی خود را به نحو رضایت‌بخشی برآورند.

ابعاد توسعه:

1- بعد اقتصادی توسعه یا توسعه اقتصادی: تغییرات و دگرگونی‌های ساختی در اقتصاد کشور در چهارچوب نظام ارزش‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه.

2- بعد اجتماعی–فرهنگی توسعه یا توسعه اجتماعی–فرهنگی: به اعمال مجموعه سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که موجب بهبود کیفی سطح زندگی عموم مردم در یک جامعه می‌شود.

3- بعد سیاسی توسعه یا توسعه سیاسی: مطالعه رژیم‌های جدید، نقش گسترش یافته حکومت‌ها و بالا بردن مشارکت سیاسی و توانایی رژیم‌ها برای حفظ نظم در شرایط تحولات پرشتاب و همچنین رقابت بین دسته‌های سیاسی و طبقات و گروه‌های قومی بر سرقدرت.

لوسین پای سه ویژگی عمده را برای توسعهٔ سیاسی برمی‌شمرد:

1- برابری: توسعه سیاسی به مشارکت عمومی و حضور عمومی در فعالیت‌های سیاسی، تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال.

2- ظرفیت: توسعه سیاسی به توانایی نظام سیاسی در ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد.

3- تغییر تدریجی: توسعه سیاسی به معنای متمایز و تخصصی کردن ساختارهای اداری و کارکرد آن‌ها است.

بطور خلاصه می‌توان گفت که توسعه سیاسی در دو حوزه اتفاق می‌افتد: اول در درون نظام سیاسی و دوم در حوزه جامعهٔ مدنی و در نهایت موجب نهادمندی، سامان‌یابی و کارایی این دو حوزه می‌شود.

مراحل نوسازی و توسعه:

1- انقلاب کشاورزی: دوره قبل از انقلاب کشاورزی افراد بشر در گروه‌های کوچک از راه آذوقه – ماهی‌گیری ارتزاق می‌کردند ولی با گسترش روستاها و اسکان جمعیت‌ها شیوه جدید زندگی ایجاد شد.

2- انقلاب صنعتی: اواخر قرن 17 انقلاب صنعتی آغاز شد و دومین مرحلهٔ تحول بزرگ جهانی را به راه انداخت. انقلاب صنعتی در اروپا، آمریکای شمالی و بسیاری دیگر از نقاط جهان در طی چند قرن زندگی بشر را دگرون ساخت.

3- انقلاب فراصنعتی یا انقلاب الکترونیکی، اطلاعاتی و ارتباطاتی: ابتدا در امریکا دههٔ قبل از سال 1955 آغاز شد و پس از آن به بسیاری از کشورهای صنعتی راه یافت و از اوایل دههٔ 1990 نیز به بسیاری از کشورهای در حال توسعه تسری یافت.

دانشجو: موسی صدقی

ویراستاری: فتحی